

تاریخ بیهقی

خواجہ ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی دبیر

بہ تصحیح

علی اکبر فیاض



انتشارات ہرمسی



انتشارات هرمس

تهران، خیابان ولی عصر، بالاتر از میدان ونک، شماره ۱۳۳۷ - تلفن: ۸۸۷۹۵۶۷۴

تاریخ بیهقی

خواجه ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی دبیر

به تصحیح علی اکبر فیاض

طرح جلد: واحد گرافیک هرمس

چاپ اول: ۱۳۸۷

تیراژ: ۵۰۰۰

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
همه حقوق محفوظ است.

بیهقی، محمد بن حسین، ۳۵۸ - ۴۷۰.

تاریخ بیهقی / نوشته ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی. - تهران: هرمس، ۱۳۸۷.
۹۷۰ ص.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

این کتاب به تاریخ مسعودی نیز معروف است.

۱. ایران - تاریخ - غزنویان، ۳۵۱-۵۸۲ ق. ۲. نثر فارسی - قرن ۵ ق. الف. عنوان.

ب. عنوان: تاریخ مسعودی.

ت ۹ پ ۷۹۱ / DSR ۹۵۵ / ۰۵۱۳

م ۸۰ / ۲۳۹۹۹

پ ۱۳۸۷

پیشگفتار ویراستار

کتاب حاضر در مجموعه متن‌های کلاسیک نشر هرمس، در کنار تاریخ بلعمی و تاریخ جهانگشای جوینی، سومین اثر تاریخی - ادبی است که تقدیم خوانندگان شده است. متن کتاب بر پایه تصحیح نهایی استاد فقید، دکتر علی اکبر فیاض (۱۲۷۷-۱۳۵۰ ش) به طبع رسیده است. این دانشمند خراسانی که نخستین بار به سال ۱۳۲۴ ش و با همکاری دکتر قاسم غنی تاریخ بیهقی را با مقابله چهار نسخه تصحیح کرده به دست داده بود، دامن بیهقی را رها نکرد و با گردآوری نسخه‌های دیگر از این کتاب و کشف نکات تازه و راهگشا به بازنگری و تصحیح انتقادی متن پرداخت و سرانجام در سال ۱۳۵۰ ش - آخرین سال زندگی‌اش - آن را برای طبع به دانشگاه مشهد (فردوسی) سپرد؛ و چون در شهریورماه همان سال چراغ عمر استاد فیاض خاموش گشت، تعلیقات مشکل‌گشای او بر کتاب ناتمام ماند. روانش شاد و یادش به خیر باد که احیای نام و نامه بیهقی در گستره ادب فارسی و امدار تلاش عاشقانه اوست.

در چاپ نوی که پیش روی خواننده است، متن بدون تغییر و همراه با اعمال برخی نشانه‌گذاری‌ها برای سهولت خوانش، و نیز نوشتن برخی کلمات جمع از قبیل: خانه‌ها، جامها و ... به صورت خانه‌ها، جامه‌ها به طبع رسیده است.

— از میان پانوشته‌ها و ذکر نسخه‌بدل‌های کتاب، تنها آن دسته نکاتی که روشنگر ابهام متن است در ذیل صفحات آمده است.

— آیات قرآنی، عبارات و ابیات عربی و سنوات تاریخی همانجا [درون قلاب] به فارسی ترجمه شده و ترجمه سه منظومه و یک خطبه مطول عربی با ذکر شماره صفحات در پایان کتاب آمده است. گفتنی است که گردانیده فارسی آیات، برگرفته از ترجمه استاد عبدالمحمد آیتی است.

— گزیده‌ای از لغات و ترکیبات دشوار همراه با معنی آنها در صفحات پایانی آمده است.

— چهار مقاله سودمند و گره‌گشا از کتاب ماندگار یادنامه ابوالفضل بیهقی، (دانشگاه مشهد، ۱۳۵۰) انتخاب و با ذکر مشخصات آنها، در انتهای کتاب و با عنوان ضمیمه، درج شده است.

— در تنظیم فهرست آغازین برای آسان‌سازی دریافت و پیگیری متن، به جای برخی عنوانهای عربی کتاب، گردانیده فارسی آنها به طبع رسیده است.

جواد طباطبائی

دی ماه ۱۳۸۷

فهرست

مقدمه مصحح [چاپ اول]	۶
نسخه‌های خطی تاریخ بیهقی	۹

[باقیمانده مجلد پنجم]

بیان آنچه به دست امیرمسعود روی داد ...	۳۱
بیان آنچه از این گونه احوال و اخبار گذشت ...	۷۰
بیان دنباله سرگذشت امیرمحمد ...	۸۹

[آغاز مجلد ششم]

آغاز تاریخ امیر شهاب‌الدوله مسعود بن محمود	۱۱۷
بیان سرگذشت ولی‌عهدی امیر شهاب‌الدوله مسعود ...	۱۳۵
حکایت فضل سهل ذوالریاستین ...	۱۶۶
بیان تاریخ سال ۴۲۲	۱۷۵
ذکر حکایت افشین و خلاص یافتن بودکف از وی	۲۰۲
ذکر بردار کردن امیر حسنک وزیر رحمه الله علیه	۲۰۹
بیان روانه کردن رسولان در این زمان به سوی قدرخان ...	۲۳۰
قصه التبانیه	۲۳۲
سرگذشت امیر عادل سبکتگین رضی الله عنه	۲۳۵
حکایت امیر عادل سبکتگین با آهوی ماده و بچه او ...	۲۳۷
حکایت موسی پیغمبر علیه السلام با بره گوسپند ...	۲۳۹
بقیه قصه التبانیه	۲۴۰
بیان رونوشت نامه و پیامهای شفاهی فرستادگان مذکور ...	۲۴۷
المشافه الاولی	۲۴۹
المشافه الثانیه	۲۵۲

۲۵۸	 بیان دستگیری اریارق، پرده‌دار و سردار سپاه هندوستان ...
۲۷۱	 بیان دستگیری آسیتگین غازی، سردار سپاه، و ...
۲۸۴	 ذکر قصه ولایت مکران ...

[آغاز مجلد هفتم]

۲۸۹	 ذکر خروج الامیر مسعود رضی الله عنه من بلخ الی غزنین
۲۹۱	 بیان دستگیری ابویعقوب یوسف
۲۹۸	 یادی از سرگذشت این غلام، طغرل عضدی
۳۰۷	 ذکر السَّیْل
۳۳۹	 بیان ورود فرستاده بغداد و ...
۳۴۰	 تاریخ سال ۴۲۳
۳۵۷	 ذکر احوال بوسهل محمد بن حسین زوزنی عارض و ...
۳۷۰	 ذکر مثالی که از حضرت شهاب الدوله ...
۳۷۷	 حکایت
۴۰۳	 ذکر اخبار و احوال رسولانی که ...
۴۰۴	 حکایت
۴۲۵	 فصل در معنی دنیا

[آغاز مجلد هشتم]

۴۳۹	 دنباله سال ۴۲۴
۴۵۰	 ذکر آنچه به نشابور تازه گشت در تابستان این سال ...
۴۶۰	 ذکر حال تلك الهندو
۴۶۹	 الحکایة
۴۸۱	 ذکر رسولان حضرتی که باز رسیدند ...
۴۸۶	 ذکر احوال کرمان و هزیمت آن لشکر ...
۴۸۹	 ذکر خروج الامیر مسعود من غزنه علی جانب بست ...
۴۹۴	 سال ۴۲۶
۵۱۰	 الحکایة فی معنی السیاسة ...
۵۳۹	 داستان امیر عمرولیت در خراسان و ...
۵۶۲	 سال ۴۲۷
۵۷۴	 سال ۴۲۸
۵۸۵	 داستان امیرالمؤمنین [هارون الرشید] با دو زاهد ...

۶۰۱		ذکر وحشتی که افتاد میان امیر مسعود رضی الله عنه و ...
۶۰۹		سال ۴۲۹

[آغاز مجلد نهم (۴)]

۶۳۹		سال ۴۳۰
۶۴۳		شرح احوال علی قهندزی و گرفتاری او
۶۵۶		جنگ کردن با سلجوقیان در بیابان سرخس و ...
۶۷۷		ذکر رسیدن سلطان شهابالدوله و ...
۶۸۹		در رثای بونصر مشکان
۶۹۴		رفتن امیر مسعود رضی الله عنه از هرات به جانب پوشنگ
۷۲۶		ذکر نسخه الکتاب الی ارسلان خان
۷۴۰		قصه امیر منصور نوح سامانی
۷۵۳		سال ۴۳۲
۷۵۸		حکایت جعفر بن یحیی بن خالد برمکی

[آغاز مجلد دهم]

۷۷۰		تعریف ولایت خوارزم
۷۷۰		خطبه
۷۷۳		حکایت خوارزمشاه ابوالعباس
۷۷۶		بیان علت گسستن پادشاهی این خاندان و ...
۷۷۷		بیان آنچه پیرامون خطبه روی داد
۷۸۳		ذکر فساد الاحاد و تسلط الاشرار
۸۰۳		ملحقات تاریخ بیهقی
۸۱۵		تعلیقات
۸۳۵		ترجمه سه منظومه، یک خطبه
۸۴۱		گزیده لغات و ترکیبات دشوار
۸۵۹		فهرست اسامی اشخاص
۸۷۵		فهرست امکنه و قبایل

ضمیمه

- ۸۸۷ برخی از اصطلاحات اداری و دیوانی در تاریخ بیهقی / مهدی محقق
- ۹۱۵ چند لفظ مروج پشتو در تاریخ بیهقی / عبدالشکور رشاد
- ۹۳۷ لغات ترکی، مغولی و چینی در تاریخ بیهقی / قیام‌الدین راعی
- ۹۵۵ تحقیق برخی از اماکن تاریخ بیهقی / عبدالحی حبیبی

مقدمهٔ مصحح [چاپ اول]

در جزء چند کتاب معدودی که از نثر فارسی پیش از مغول مانده است یکی کتاب حاضر یعنی تاریخ خواجه ابوالفضل بیهقی است که از شاهکارهای ادب فارسی به شمار می‌رود. این کتاب از جهت موضوع نمونه‌یی از تاریخ‌نویسی خوب و از حیث انشا مثالی از بلاغت زبان ماست.

بیهقی موجد فن تاریخ نیست، پیش از او به زبان فارسی تاریخها نوشته‌اند ولی در همهٔ مورخین قدیم ما شاید هیچ‌کس به قدر بیهقی معنی تاریخ را درست نفهمیده و به شرایط و آداب تاریخ‌نویسی استشعار نداشته است. ابداعی که بیهقی در این فن آورده حتی در نظر خود او بی‌سابقه بوده است. خود او می‌گوید: «در دیگر تواریخ چنین طول و عرض نیست که احوال را آسانتر گرفته‌اند و شمه‌یی بیش یاد نکرده‌اند اما چون من این کار را پیش گرفتم می‌خواهم که داد این تاریخ را به تمامی بدهم و گرد زوایا و خبایا برگردم تا هیچ از احوال پوشیده نماند». در طنز به تواریخ قدیم می‌نویسد: «اگرچه این اقاصیص از تاریخ دور است چه در تواریخ چنان می‌خوانند که فلان پادشاه فلان سالار را به فلان جنگ فرستاد و فلان روز جنگ یا صلح کردند و این آن را بزد و بر این بگذشتند اما من آنچه واجب است به جای آورم». این واجب چه بوده است؟ نوشتن تاریخی زنده و حساس برای آیندگان زیرا بیهقی به قول خود تاریخ را برای آیندگان می‌نوشته و بخوبی متوجه بوده است که آیندگان تاریخ زنده و

حساس می‌خواهند، این است سرّ این تفصیل‌پردازی‌های دلاویز و چهره‌سازی‌های زیبا که مایه امتیاز این کتاب شده است.

دو شرط عمده مورخ صداقت و اطلاع است که بیهقی — شاید بیش از خوانندگان خود — متوجه اهمیت آن بوده است و بدین جهت در هر فرصتی خاطر خوانندگان را از راستگویی و حقیقت‌دوستی و همچنین از احاطه و اطلاع خود بر اخبار اطمینان می‌دهد. چنان که خوانندگان در تضاعیف کتاب ملاحظه می‌کنند و مخصوصاً در خطبه باب خوارزم (در آخر کتاب) که مورخ در آنجا روش خود را در انتقاد مدارک و اسناد به شرح ذکر کرده و نموداری از طرز فکر دقیق خود را نشان داده است. مندرجات کتاب بیهقی یا از مشهودات خود اوست که در طی روزگار با دقت تمام تعلیق می‌کرده یا اطلاعاتی است که با کنجکاوی بسیار از اشخاص مربوط و مطلع به دست می‌آورده یا منقولاتی است از کتابها که غالباً نام آنها را ذکر می‌کند و حتی راجع به ارزش آنها نظر خود را اظهار می‌دارد. بیهقی از سالیان دراز تألیف این کتاب را در نظر داشته و با دلبستگی و علاقه‌مندی تمام به تهیه مواد آن مشغول بوده و برای این کار از موقع مساعد خود در دربار استفاده‌یی کرده است که به قول خودش برای دیگرکس میسر نبوده است.

ولیکن برای نوشتن تاریخ تنها داشتن مواد کافی نیست، هنری هم لازم است که از این مواد استفاده کند؛ یعنی انشائی که بتواند گذشته محوشده را پیش چشم آیندگان مجسم و محسوس سازد و هنر بیهقی اینجاست. در نوشته‌های قدیم کمتر کتابی است که بتواند با کهنگی زبان این‌قدر برای خوانندگان خود جذبه داشته باشد و هر خواننده‌یی به شرط آشنایی با زبان آن را با ولع و اشتیاق و بدون کسالت و ملال بخواند. هنر بیهقی اوج بلاغت طبیعی فارسی و بهترین نمونه هنر انشائی پیشینیان است که زیبایی را در سادگی می‌جسته و از تماس با

طبیعت، زبانی مانند طبیعت گرم و زنده و ساده و باشکوه داشته‌اند. در کتاب بیهقی نمونه‌های مختلفی از انشا هست و قطعه‌هایی دارد که از حیث بلاغت سند لیاقت زبان فارسی محسوب می‌شود.^۱

زندگانی بیهقی

ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی در سال ۲۸۵ در ده حارث‌آباد بیهق ولادت یافته، اوایل عمر را در نساپور به تحصیل علم اشتغال داشته سپس به سمت دبیری وارد دیوان رسالت محمود غزنوی شده و شاگرد یعنی دبیر زیردست خواجه بونصر مشکان رئیس دیوان بوده با استاد خود قربت و اختصاص تمام داشته و پاکنویسی نامه‌های مهم را بر عهده داشته است. پس از مرگ بونصر در اواخر سلطنت مسعود بوسهل زوزنی رئیس دیوان شد و بیهقی با همه ناسازگاری‌یی که استاد جدید با او داشت بقیه زمان مسعود را در امن و امان به سر برد و به واسطه لطف و حمایت شاه از گزند رئیس ناسازگار خود محفوظ ماند. پس از مسعود اوضاع دیگرگون شد و حوادثی برای بیهقی با بوسهل پیش آمد که از تفصیل آن اطلاع نداریم. بنا به روایت عوفی بیهقی در زمان عبدالرشید رئیس دیوان رسالت شد و پس از چندی در دسته‌بندی‌ها و اسباب‌چینی‌های درباریان به سعایت مخالفان معزول و محبوس گردید و اموالش را غلامی تومان (یا یونان) نام به حکم شاه غارت کرد. ابن فندق می‌گوید: «او را از جهت مهر زنی قاضی در غزنی حبس فرمود. بعد از آن طغرل برار^۲ که غلام گریخته محمودیان بود ملک غزنی به دست گرفت و سلطان عبدالرشید را

۱. چون بنای این مقدمه بر اختصار بود بیش از این در این موضوع بحث نکردیم. خواننده را به رساله جداگانه نگارنده موسوم به «بیهقی و تاریخ» که آماده طبع است ارجاع می‌دهیم.

۲. قرائت این کلمه مشکوک است: برار، نزان؟

بکشت و خدم ملوک را با قلعه فرستاد و از آن جمله یکی ابوالفضل بیهقی بود که از زندان قاضی با حبس قلعه فرستاد.^۱ بیهقی پس از خروج از زندان شاید دیگر وارد خدمت نشده و قسمت اخیر عمر را به عطلت و انزوا در منزل خود در غزنین به سر می‌برده و به تصنیف کتاب اشتغال داشته تا در صفر سال ۴۷۰ درگذشته است.

از تألیفات بیهقی یکی تاریخ آل سبکتکین بوده که کتاب حاضر قسمتی از آن است. دوره کامل این تاریخ به گفته ابن فندق «سی مجلد منصف زیادت» بوده و تا اول ایام سلطان ابراهیم را نوشته بوده است. دیگر کتابی به نام زینة الکتاب که شاید در آداب کتابت بوده است. بیهقی در تاریخ مسعودی دو جا از کتابی به نام مقامات یا مقامات محمودی یاد می‌کند و احتمال داده می‌شود که قسمت محمودی تاریخ خود را بدین اسم خوانده باشد، یک جا نیز رساله‌یی از تصنیف خود ذکر می‌کند که در آن بعضی نامه‌های سلطنتی را درج کرده بوده است و محتمل است که این همان زینة الکتاب مذکور در ابن فندق باشد. صاحب آثار الوزراء نیز کتابی به نام مقامات بونصر مشکان به بیهقی نسبت داده که شاید همان مقامات محمودی بوده است. به هر حال از مؤلفات بیهقی آنچه عیناً موجود است همین تاریخ مسعودی است، از بقیه فقط آثار و منقولاتی در نوشته‌های دیگران دیده می‌شود. در یک مجموعه خطی در کتابخانه حاج حسین آقا ملک در تهران چند ورقی هست مشتمل بر شرح بعضی از لغات کتابتی که منسوب به بیهقی است و شاید از زینة الکتاب باشد.

تاریخ مسعودی

موضوع اصلی این کتاب تاریخ سلطنت مسعود بن محمود است ولی

در مطاوی آن اطلاعات بسیار مفید راجع به موضوعات دیگر تاریخی مندرج است و چندین شعبه مهم تاریخ از این کتاب استفاده می‌کنند، از قبیل تاریخ غزنویان پیش از مسعود، تاریخ سامانیان، سلجوقیان، صفاریان و غیرهم و همچنین اطلاعات گرانبهائی مربوط به تاریخ ادبیات به دست می‌دهد، از قبیل ذکر شعرا و اشعاری که مدرک ما در آن باب منحصر به این کتاب است. قدر مسلم آن است که کتاب بیهقی بهترین و کاملترین سند تاریخ زمان مسعود است. در هیچ یک از مدارک تاریخ غزنویه از قبیل عتی و گردیزی و طبقات ناصری این قدر اطلاعات مفید و مناظر زنده از زندگانی فردی و اجتماعی آن عصر به دست نمی‌آید و به همین جهت بیهقی یکی از بهترین مآخذ برای تصحیح اغلاط مورخین بعد محسوب می‌شود. اینها علاوه بر فوائدی است که برای علم تاریخ زبان فارسی و لغت آن از این کتاب به دست می‌آید و در حد خود البته بسیار سودمند و گرانبهاست. اطلاعات جغرافیایی کتاب نیز به نوبه خود مهم است، بیهقی به واسطه دقتی که در ذکر تفصیل و جزئیات داشته نام امکانه بسیار ذکر کرده است و از اینجا برای روشن کردن مجهولات جغرافیای قدیم می‌توان استفاده‌های شایان کرد.

دانشمند روسی استاد بارتلد که خود از بهترین آشنایان کتاب بیهقی بوده و بیش از هر کسی از آن استفاده کرده و در تألیفات خود خاصه در کتاب ترکستان زیاد با آن سروکار داشته معتقد است که این کتاب به قدر شایستگی خود در محافل علمی دنیا شهرت نیافته و خاورشناسان از فواید آن دور مانده‌اند. علت این امر را دانشمند نامبرده از بدی چاپهای آن می‌داند (دو چاپ کلکته و تهران) که هیچ یک مطابق سلیقه و بازگوی توقعات دانشمندان نبوده است.

چاپ اول این کتاب چاپ کلکته است که متن آن را خاورشناس انگلیسی مورلی در هندوستان از روی چند نسخه تهیه کرده پس از

مرگ او به اهتمام کاپیتان ناسولیس در ۱۸۶۲ در کلکته به طبع رسیده است. این چاپ از حیث صنعت طبع از قبیل تجزیه کلمات و رعایت منظم فواصل آنها و روشنی و خوانایی و مخصوصاً حفظ رسم الخط ثابتی در تمام کتاب، با سلیقه و دقیق است ولیکن از هرگونه توضیح و تعلیق و فهرستی خالی است و جز یک مقدمه مختصر و نادراً چند جا نسخه بدل چیزی ندارد.

چاپ دوم چاپ سنگی طهران است که به تصحیح و تحشیو مرحوم سید احمد ادیب پیشاوری است و در سال ۱۳۰۵ قمری به طبع رسیده است. بانی این چاپ — برای آنکه نام اهل خیر فراموش نشود — میرزا محمدعلی خان معاون الملک و کاتب آن محمدبن حسن گلپایگانی از خطاطان چاپ نویس معروف عصر و حواشی کتاب به خط خود مرحوم ادیب است. این چاپ از جهت قطع و خط و مخصوصاً صحافی خوبی که به آن داده اند نمونه سلیقه و نشانه اهتمام بانیان است و البته از معایی که معمول چاپهای سنگی قدیم بوده عاری نیست؛ از قبیل فشردگی سطور، اندماج کلمات، حواشی قیقاج و گاهی واژگونه و نوعاً بی راده و امثال این از چیزهایی که قرائت کتاب را برای خواننده ناآشنا بسیار دشوار می سازد.

مزیت بزرگ چاپ مزبور حواشی آن است. مندرجات این حواشی به طور کلی بر دو قسم است. یک قسم مطالبی است مستقیماً مربوط به کتاب از قبیل تفسیر لغات و شرح اسامی تاریخی و جغرافیایی و بندرت مقایسه بعضی از نسخه بدلها و تحقیق آنها. قسم دیگر استطرادهای خارج از موضوع است که محشی به عنوان تزییل و تکمیل یا برای عبرت خواننده یا مناقشه اخلاقی و فلسفی با مؤلف کتاب یا با اشخاص کتاب، ذکر کرده است. این استطرادها نوعاً از مطالب معروف یا موجود در کتابهای متداول است و بر فرض آنکه برای توسعه ذهنی خوانندگان مفید باشد برای فهم عبارات متن اثری

ندارد. مثلاً در جایی که بیهقی از ریاکاران صحبت می‌کند، محشی می‌نویسد: «چه نیکو می‌گوید ابن‌همام سلولی...» و بعد شعر ابن‌همام را با شرح لغات و مشکلات آن شعر به تفصیل ایراد می‌کند و از این قبیل چیزها. این قسمت از حواشی که اتفاقاً قسمت عمده و شاید نهم حواشی کتاب است مطالبی است که مناسبتش با کتاب بیهقی همان است که با یک کتاب دیگر، ولی متأسفانه جای حواشی لازم را گرفته و وقتی را که محشی فاضل و بزرگوار بایستی صرف عبارات مشکل کتاب می‌کرد به خود مصروف کرده است. در حقیقت حواشی واقعی کتاب همان حواشی قسم اول است که البته برای فهم کتاب مفید و لازم شمرده می‌شود. مندرجات این قسم غالباً مأخوذ از کتب لغت و معجم‌البلدان و سایر کتب معروف است، فقط در چند مورد است که مرحوم ادیب از اطلاعات شخصی و علم محلی خود استفاده کرده و این قسمت به نظر نگارنده گرانباترین قسمت حواشی کتاب است، زیرا در جای دیگری نمی‌توان آنها را به دست آورد.

مقصود از این بیان توضیح سخن بارتلد بود راجع به نواقص چاپهای بیهقی و احتیاج کتاب به یک چاپ انتقادی به روش اروپایی امروز. این احتیاج در سالهای اخیر به مناسبت کمیاب شدن چاپهای قدیم بیشتر محسوس شده و به همین جهت در شش سال پیش، سال ۱۳۱۹، آقای سعید نفیسی دست به کار چاپ تازه‌یی زدند که بایستی چاپ سوم بیهقی محسوب شود و متأسفانه این کار ناتمام ماند و بیش از نصف کتاب منتشر نشد. در همان اوقات وزارت فرهنگ به تصدی وزیر دانش‌پرور وقت آقای مرآت در صدد بود که برای مطالعه دانشجویان مدارس منتخباتی از تاریخ بیهقی فراهم کند، چنان که از سایر کتابها کردند و منتشر شده است. تصدی این کار به عهده آقای دکتر غنی و نگارنده گذاشته شد ولی چون احتیاج به چاپ کامل کتاب محسوس بود، در ضمن کار نظر تغییر کرد و صحبت چاپ

کامل انتقادی به میان آمد. نگارنده نیز به منظور خدمت به علم این پیشنهاد را قبول کرد و بدین طریق یک کار ساده چندماهی تبدیل شد به یک زحمت چندسالی بدون آن که مابازای مادی برای این تفاوت توقع شده باشد و این کتاب محصول آن رنج چندساله است که اکنون به دست خوانندگان می‌رسد.....^۱

علی‌اکبر فیاض

۱. از بخش پایانی مقدمه مصحح که به توصیف نسخه‌های اساس چاپ نخست پرداخته و در مقدمه دوم به تفصیل بیان شده است، صرف نظر گردید. — و.